

## آنجا که بی طرفی جرم به شمار می رود

### اتی ین بالیبار و ...

در پی لشکر کشی آریل شارون [از سرسخت ترین رهبران دست راستی اسرائیل] به صحن مسجد اقصی [در ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۰] و تظاهراتی که در واکنش به آن رخ داد، وضعی در اسرائیل و فلسطین پدید آمده که نشان می دهد با مسأله ای پیچیده سر و کار داریم. این وضع البته به ما اجازه نمی دهد که بگوییم همهء تقصیرها بدون استثنا به یکی از طرفین بر می گردد اما آیا می توان در پناه سازش ها و اقدامات احتیاطی دیپلماتیک، بی طرفی و عواقب وخیم اش را توجیه کرد؟

می گویند: فلسطینی ها مرتکب اشتباه سیاسی شده اند. آری، حتی برخی آن را نه اشتباه، بلکه جنایت نامیده اند. می گویند: رهبران نشان نمونه های کاملی از درستکاری نیستند و وضع کسانی که توسط آنان اداره می شوند چندان هم رضایت بخش نیست. باشد. شك نداریم. می پرسند: آیا گفتار ناسیونالیستی یا مذهبی برخی از سازمان های مقاومت فلسطینی را می توان دموکراتیک تلقی کرد و آیا حمایتی که در جهان عرب یا جاهای دیگر از آنان می شود گاه به ایدئولوژی های نگران کننده آلوده نیست؟ پاسخ مثبت است، باید پذیرفت.

با وجود این، هیچ يك از این امور نمی تواند با انباشت بی عدالتی، خشونت و کشتارهای بی شماری برابری کند که سال هاست با طرد صدها هزار انسان از زادگاهشان همراه بوده است و علاوه بر این، عادی جلوه دادن اردوگاه های آوارگان، حرکت جاده صاف کن ها برای ساختن مستعمرات مهاجرنشین یهودی - که گاه کند شده ولی هرگز متوقف نگردیده و همواره در پوشش اهداف نهائی اش پنهان نگه داشته شده است - و بالاخره سرکوب سیستماتیک و نامتناسب و تبعیض نژادی ای که در ذات ساختارهای آن دولتی نهفته است که خود را فوق حقوق و افکار بین المللی می داند، این ها را نیز به این انباشت بی عدالتی باید افزود.

همچنین هیچ يك از این ها نمی تواند حالت صبر و انتظار یا بی طرفی مجموعه ای یکنواخت از ملت ها را توجیه کند که با کوردلی شان، با حسابگری های استراتژیک

و با بزدلی شان تا کنون کاری انجام نداده اند جز آنکه بیش از حد در تباه کردن وضعیت دست داشته اند و از آغاز درگیری شرق و غرب تا بروز جنگ های مذهبی و نفتی و بالاخره تا زمان صلح آمریکایی، هربار یکی را وسیلهء ادامهء این تبهکاری ها قرار داده اند تا کار بدانجا رسد که چیزی را قبول کنند که غیر قابل تحمل است.

اما رهبران اسرائیل اینک با عواقب تحریکاتشان و پی آمد های تخریب سیستماتیک چشم اندازهای صلح روبرو شده اند (صلحی که دولت هاشان، پس از ترور آن کسی که شهامت و هوشمندی لازم برای گشودن آن چشم اندازها را داشت در جهتش تلاش کردند)، آن ها ترسان از نشانه های بیداری همبستگی و بسیج در بین اعراب اسرائیل (اعرابی که حیثیت کامل شهروندیشان هرگز به رسمیت شناخته نشده) و مست از اسطورهء برتری نظامی شان، اینک به یک ماجراجویی فرار به جلو کشنده دست زده اند و خویش را آمادهء جنگی می کنند که بر خاک فلسطین یا «اسرائیل بزرگ» که مدتها ست در تصرفشان است جریان می یابد.

این جنگ که هدفش اعمال اعراب و وحشت علیه هرکسی ست که به خود جرأت شورش دهد باعث می شود که هزاران قربانی به بار آید و کینهء نژادی افسار گسیخته ای را دامن زند و چشم اندازهای رسیدن به مصالحه ای مقرون به انصاف را سالیان سال به عقب اندازد. فراموش نکنیم که تنها چنین مصالحه ای ست که می تواند سرانجام حق حاکمیت اسرائیل را به مثابهء ملتی در بین ملت های دیگر، با مرزها و پایتختی که در عرصهء بین المللی به رسمیت شناخته شده باشد، مشروعیت بخشد و آن را مورد قبول کسانی قرار دهد که بیش از هرکس دیگر در این باره ذینفع اند یعنی فلسطینیانی که دولت خاص خود را برپا کرده باشند.

این رهبران بدور از خرد، این نظامیان بی شفقت، این کلن های (استعمارگران) بی آزر، این انتخاب کنندگان بی حافظه، آیا زمان آن فرا نرسیده است که سر جای خود نشانده شوند؟ و حقیقت و عدالت را به یادشان آورند؟ دولت ها و افکار عمومی بین المللی و ملل متحد باید مذمت این رفتار و مجازاتی را که در صورت تشدید سرکوب می تواند نسبت بدانان اعمال شود به آنان بفهمانند. باید مقاومت خلق فلسطین که همواره از ثمرهء فداکاری ها و شکیبائی اش محروم مانده به حقوق مسلم و شناخته شده خود دست یابد. در خود اسرائیل نیز باید نیروهای صلح و آشتی که در برابر کلاف سردرگم

سیاست حاکم مقاومت می کنند و حاضر نیستند با امپریالیسم و تروریسم دولتی همدستی کنند جرأت خود را بازیابند و فریاد خود را به اعتراض بلند کنند. آن ها باید مطمئن باشند که تلاش های آنان از همبستگی و تحسین و پشتیبانی دموکرات های همهء جهان برخوردار خواهد بود. در برابر فاجعه ای که در راه است از هیچ تلاشی دریغ نوزیم. هر نوع بی طرفی می تواند جرم به شمار رود.

اتی بن بالیبار (استاد دانشگاه پاریس ۱۰)، مونیک شومیلیه - ژاندرو (استاد دانشگاه پاریس ۷)، ژاکلین کوستا-لاسکو (مدیر تحقیقات در مرکز ملی تحقیقات علمی فرانسه)، امانوئل تره (مدیر تحقیقات در مدرسهء عالی مطالعات اجتماعی - پاریس)

ترجمهء ت. ح. از لوموند ۱۱ اکتبر ۲۰۰۰